

گزارش:

نگاهی مختصر به راهکارهای ایجاد بازار مشترک اسلامی

همایش بین‌المللی راهکارهای ایجاد بازار مشترک اسلامی در فرایند کار خود موضوعاتی همانند: بررسی بازار مشترک اسلامی، چالشها و نیازهای بازار مشترک اسلامی، جهانی شدن، سیاستهای تجاری، امنیت غذایی، گسترش تجارت و دستیابی آسان به بازارها را مورد بحث و بررسی قرار داده‌است.

عادلانه‌تری برخوردار شد. در ابتدا وزیر بازرگانی با تأکید بر اهمیت ایجاد بازار مشترک اسلامی به تجربیات موفق همگرایی منطقه‌ای و نظریات اقتصادی اشاره کرد و گفت: برای موفقیت در این زمینه پیدا کردن راهکارهای عملی و انجام مطالعات علمی یک ضرورت است و برای رسیدن به آن باید دو جنبه:

- ۱ - همکاریهای فکری، مطالعاتی و تحقیقاتی، هدف از این همایش این است که بتواند چارچوب مناسبی برای دسترسی به یک بازار مشترک اسلامی (ICM) طراحی شود، که بتوان در جریان جهانی شدن اقتصاد، از توزیع درآمد
 - ۲ - ایجاد بستر لازم اجرایی و پیگیری را، مدنظر قرار داد.
- آقای دکتر نهاوندیان با بیان

بهره حاصل از تجارت نصیب چه گروهی شده است؟

ارقام موجود در این رابطه خیلی دلپسند نیست؛ سهم درآمدی اقتصادها و ملت‌های دارای کمترین توسعه یافتگی در دهه گذشته از حدود ۳ درصد، به پایین‌تر از ۲ درصد تنزل پیدا کرده است.

بر اساس گزارش توسعه جهانی سازمان ملل مجموع دارایی سه اقتصاد ثروتمند در دنیا، از مجموع تولید ناخالص ملی ۴۸ کشور فزونی گرفته و آمار تکان‌دهنده‌ای وجود دارد مبنی بر این‌که ۴۸ نفر در دنیا ثروتی نصیبشان می‌شود که از مجموع تولید ناخالص ملی کشور چین با ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت تجاوز می‌کند.

فاصله بین $\frac{1}{5}$ بالای درآمدی و $\frac{1}{5}$ پایین درآمدی در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۴ از نسبت ۳۰ به ۱، به نسبت ۷۸ به ۱ رسیده است. در سال ۱۹۹۵ این نسبت ۸۲ برابر شده است. در سال ۱۹۹۷ $\frac{1}{5}$ بالای درآمدی، ۸۶ درصد درآمد جهان را داشت و $\frac{1}{5}$ پایین درآمدی، فقط $\frac{1}{3}$ درصد درآمد جهان را داشته است.

مخالفتی که در مورد جهانی شدن در سطح جهان وجود دارد اظهار داشت، در اجلاس صندوق بین‌المللی پول در پراگ مجدداً شاهد مخالفتها و درگیریهای درباره جهانی شدن بودیم. امروزه سرعت مبادلات اقتصادی بین کشورها شتاب خاصی گرفته است و این پدیده امری جدید است و گرنه مبادلات تجاری و ارتباط بازار سرمایه‌ها در دهه‌های قبل هم وجود داشته است. جهانی شدن با خود اثرات برجسته‌ای به میان آورده است، بدین معنی که نرخ رشد تجارت جهانی در حدود $\frac{6}{5}$ درصد موتور تولید در جهان بوده و همین نرخ رشد باعث رشد اقتصادی $\frac{2}{5}$ درصد در جهان شده است. البته در این دستاورد بیشترین تحرک از طریق کشورهای توسعه یافته انجام شده است. اما بعضی از کشورهای در حال توسعه هم با استفاده از این موقعیت جهش‌هایی را انجام داده‌اند. بنابراین از بعد اقتصادی این سؤال مطرح است که اگر از جهان‌گرایی رشد و ثمره‌ای حاصل شده نصیب چه کسانی شده و به عبارتی دیگر

با جهانی شدن اقتصاد از طریق باز شدن بازارها، افزایش رقابتی بودن بازارها و بهره‌مندی مصرف‌کنندگان از محصول بهتر، ما باید نگران توزیع نابرابر در آمدی باشیم.

با این‌همه آیا توصیه منزوی شدن درست است و یا توصیه مشارکت؟

در حرکت جهانی شدن، حاکمیت جهان از دولت‌های منتخب مردم به طرف شرکتهای چندملیتی منتخب سهامداران میل می‌کند بنابراین شعار ما این است که نه حذف شویم و نه منزوی بلکه حضوری مستقل و فعال داشته باشیم این‌که کشورهای در حال توسعه بتوانند به‌عنوان یک بلوک و بازیگر اصلی صحنه حرف خود را بزنند، تنها راه بهره‌گیری از روند جهانی شدن است.

براساس مزیت‌های نسبی افشا شده، میزان تجارت درون گروهی کشورهای اسلامی قابل افزایش به ۲ برابر مقدار کنونی می‌باشد. یک سری از کالاها را گروهی از کشورهای اسلامی صادر کرده و گروهی دیگر از کشورهای اسلامی از طریق واسطه‌هایی آن را وارد

می‌کنند. این قابلیت بالفعل ماست که از طریق وصل بازارها و امکان خلق سرمایه‌گذاریهایی در بازار مشترک اسلامی، پتانسیل‌های مشترک را شناسایی کنیم.

برای تحقق بازار مشترک اسلامی یک برنامه بلند مدت ۲۰ ساله نیاز داریم تا در چارچوب آن کشورهای اسلامی با هم و همسو عمل کنند برای رسیدن به این مقاصد باید این فعالیت‌ها انجام شود.

۱ - ایجاد یک گروه کاری برای بررسی تسهیل تجارت الکترونیکی.

۲ - معرفی امکانات موجود در اقتصادهای کشورهای اسلامی

توسط تجارت شناخته شده به همگان.

۳ - تشکیل گروه کاری مشترک برای بانک اطلاعات.

۴ - تشکیل گروه کاری تحقیقات بازارهای مشترک.

۵ - تشکیل گروه کاری آموزش و آگاه‌سازی تجارت علمی، نسل نوپایی برای تجارت کشورهای اسلامی.

۶ - یکسو سازی مواضع کشورهای در حال توسعه مسلمان برای

عده‌دار شدن نقش هدایت‌گری
مؤسسات بین‌المللی منتخب ملت‌ها.

دکتر لرکی با اشاره به هدف
بلندمدت کنفرانس اسلامی در تشکیل
بازار مشترک اسلامی اظهار کرد برای
رسیدن به این هدف در سومین نشست
در مکه برنامه‌ای علمی توسط سازمان
کنفرانس در سال ۱۹۸۰ تصویب شد و
متعاقباً کمیته‌ای تشکیل شد که دولت
ترکیه نیز حضور داشت. در نشست داکا
در سال ۱۹۹۲ و بعد از آن نیز OIC
کارهای زیادی کرده تا آن برنامه انجام
شود. از جمله یکی از توافقات، توافق
تجاری و همچنین تشکیل سازمانی برای
بیمه، فعالیت‌های تجاری در درون OIC
و ایجاد سیستم مالی دراز مدت در بانک
توسعه اسلامی می‌باشد.

آقای وهاجی بر این نکته اشاره
کرد که بسیاری از کشورهای در حال
توسعه نتوانسته‌اند از مشکلات جهانی
شدن نجات یابند در نتیجه یا کنار
کشیده‌اند و یا استفاده‌ای نبرده‌اند و
آن‌گونه که مشهود است، منطقه‌گرایی از
جهانی شدن قویتر است. بنابراین

کشورهای اسلامی برای تشکیل بازار
مشترک اسلامی می‌توانند از تجارت
موفق اتحادیه‌های جهانی بهره‌جویند.

آقای دکتر کدوری رییس - ICCI
اظهار داشت در دهه ۱۹۹۰ تلاش برای
منطقه‌ای شدن افزایش یافت و ما شاهد
گسترش موج منطقه‌ای شدن بودیم. و
حاصل آن فعالیت‌های اتحادیه اروپا و
حتی ایجاد واحد پول یگانه و نفوذ
اقتصادی و سیاسی کشورهای اتحادیه
اروپا EU بود که با عضویت ۶ کشور
شروع و به ۱۵ عضو رسید.

این کشورهای اروپایی به دلیل
داشتن رشد اقتصادی بالا، سهم بیشتری
از اقتصاد جهانی را به دست گرفتند و
توانستند بازار یگانه‌ای برای خودشان
ایجاد کنند و همین امر موجب واکنش
سریع غولهای اقتصادی جهان (آمریکا و
ژاپن و تشکیل موافقتنامه‌های نفتا و
آسیان باغ) بوده‌است.

در نوامبر ۱۹۹۹ ای پک زیر
ساخت مشخصی نداشت اما بعد از اولین
نشست در سیاتل آمریکا، سرمایه‌گذاری
در آن منطقه شروع شده‌است. در جهان

امروز منطقه‌ای شدن و سازمان تجارت جهانی با یکدیگر متعارض نیستند. اگرچه ایالات متحده آمریکا قبلاً مخالف منطقه‌ای شدن بود، اما در حال حاضر هم در ای پک و هم در نفتا عضو شده است. می‌توان پرسید هدف ما از فعالیت‌های منطقه‌ای چیست؟

منظور از فعالیت‌های منطقه‌ای تشکیل یک واحد بزرگتر اقتصادی از طریق برداشتن موانع تجاری و همکاری‌های ملی بین کشورها است. بازار مشترک اجازه می‌دهد کالاها و خدمات به صورت آزادتر ارائه شوند. توافقات گمرکی یکسان و ایجاد منطقه آزاد و کم کردن موانع گمرکی از اهداف کنفرانس اسلامی است. ضمناً در همکاری‌های مشترک اقتصادی و صنعتی منطقه باید از پتانسیل‌های مختلف استفاده شود تا صنایع مختلف بیشتر تقویت شوند. بحث آزادسازی تجاری در چارچوب سازمان تجارت جهانی این هشدار را می‌دهد که سازمان کنفرانس اسلامی باید نقش عمده‌ای را در اقتصاد جهانی پیدا کند تا کشورهای اسلامی بتوانند از ثمره

جهانی شدن بطور عادلانه بهره‌مند شوند.

آقای دکتر چودری از عربستان با بیان مشکلات و چشم‌اندازهای همگرایی اقتصادی میان کشورهای اسلامی این مسئله را مطرح کرد که چه فعالیت‌هایی می‌توانند کشورهای اسلامی را تقویت کنند؟ به نظر او هیچ بازار مشترکی بدون تغییر نظرهای خودش در مقابل مباحث مسخلف جهانی موفقیت به دست نمی‌آورد.

سؤال این است که آیا مسلمانان روش تفکر درستی دارند یا خیر؟ و آیا در افکارشان تجدید نظر می‌کنند؟ از نظر وی الگوی هنجاری مورد تحقیق در خارطوم این بود که در تفکر اسلامی مبانی اصلی، توحید است که در تمام نهادهای بشری خودش را نشان می‌دهد و توحید یک یگانه‌سازی را مطرح می‌کند. همچنین قسمت‌های مختلف جامعه با هم در ارتباط هستند و این انعکاسی از وحدانیت و توحید است.

پروفسور تن از دانشگاه آمریکا با تکیه بر نظرات و واقعیت‌ها به بیان دلایل

له و علیه یک بازار مشترک پرداخت. به نظر او در طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰ رشد اقتصادی زیاد و بی‌سابقه‌ای در حجم تجارت جهانی اتفاق افتاده و در واقع در این ۵۰ سال حجم تجارت ۱۰ برابر شده است. او یکی از عوامل چنین رشد چشمگیری را شکل جدید تجارت جهانی می‌داند که بر اساس آن طبق اطلاعات موجود رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص دنیا بیشتر شده است. رشد تولید ناخالص ملی ۷ درصد، اما رشد تجارت ۱۰ درصد بوده و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۷/۵ درصد بوده است.

دکتر عارف از مالزی اظهار می‌دارد در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم موانعی عمده برای تصویب اتحادیه وجود دارد: از جمله نبود یک اراده سیاسی، فقدان تفکری که کشورهای مختلف بتوانند براساس آن یکدیگر را تکمیل کنند، موانع مسایل اجتماعی در هر کشور و از جمله ایجاد محدودیت‌های زیادی از سوی قومی بر اقوام دیگر، ترس از برتری یافتن یک

کشور بزرگ اتحادیه بر کشورهای کوچکتر، توزیع غیرعادلانه کالا و مدیریت غلط کلان اقتصادی که مجموعه این عوامل باعث فشار زیاد بدهی‌ها می‌شود. بسیاری از برنامه‌های منطقه‌ای بخصوص در آمریکای لاتین و آفریقا ناموفق بوده است زیرا اهداف مورد نظر جاه طلبانه و تقریباً غیرقابل دسترسی بوده اند.

برای اینکه یک بازار مشترک اسلامی موفق داشته باشیم باید دیدگاه جامع‌نگر داشته و با توجه به اهداف دراز مدت برای هر کشوری آزادی عمل قائل شویم؛ در ضمن یک اتحادیه منطقه‌ای بدون داشتن بخش فعال خصوصی نمی‌تواند موفق باشد. در عین حال مسئله همکاریهای ژئوپولیتیکی، از مسائل مهمی است که باید مدنظر مشترک کشورهای مختلف قرار گیرد.

دکتر ساتیراوغلو از کشور عربستان اظهار داشت فقط ۱۰ درصد تجارت میان کشورهای او.ا.ی.سی انجام شده و در طول زمان روند افقی را طی می‌کند. روند جهانی شدن مطمئناً تجارت

را در جهان گسترش می‌دهد. جهانی شدن پدیده جدیدی نیست، بلکه از جنگ جهانی دوم کشورهای جهان متوجه این یکپارچگی شده‌اند. این امر فرایندی پویاست و جهت‌گیری آن به سختی خواهد توانست که بتواند یک تجارت منسجمی را در جهان ایجاد کند.

WTO و صندوق بین‌المللی پول بازوهایی هستند که فرایند جهانی شدن را انجام می‌دهند و روی آن نظارت دارند. جهانی شدن به نقل و انتقالات و مبادلات در همه زمینه‌ها مربوط شده و صرفاً مسئله سیاسی و اقتصادی نیست.

فرایند جهانی شدن در کشورهای OIC اصولاً ایده بدی نیست ولی شرایط خاص خود را دارد. تا آنجا که کشورها و شرکت‌های عضو فرصتی پیدا کنند تا به عنوان یک عضو، سطح امکان حضور و رقابت را داشته باشند. البته با رشد اقتصادی، ساختار تولیدات در کشورهای عضو تغییر خواهد کرد و در فرایند جهانی شدن سرمایه‌های خارجی به کشورهای عضو سرازیر خواهد شد، در نتیجه تولید، تجارت و کار افزایش

می‌یابد. اما زمانی که شرکت‌های چندملیتی احساس کنند حضور در کشوری به نفعشان نیست آن کشور را ترک می‌کنند و توجهی به توانایی و رشد اقتصادی آن کشور ندارند بنابراین تصمیم آخر را شرکت‌های چندملیتی می‌گیرند چون سرمایه فیزیکی و تکنولوژی در دست آنهاست. جهانی شدن و سرمایه‌گذاری مستقیم می‌تواند موجب ازدیاد قیمت‌ها شود چون ممکن است عرضه کالاها در بازار داخلی کم شود. در مجموع WTO و جهانی شدن چالشی است که یا باید با آن همکاری کنیم یا به مصاف آن برویم.

خانم دکتر نهرین از مالزی به مسئله آزادسازی تجاری و رشد در تعدادی از کشورهای اسلامی می‌پردازد و می‌گوید ۲۰ درصد جمعیت و ۲۲ درصد مساحت جغرافیایی جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. کل صادرات کشورهای مسلمان در سال ۱۹۹۷، ۱۱/۶ درصد بوده و وارداتشان ۱۱/۲ درصد بوده است. عملکرد رشد یکایک ۲۰ کشور مسلمان برحسب گروه‌های متفاوت

درآمدی (گروه درآمدی متوسط ۱۲ کشور و گروه درآمدی پایین ۸ کشور) برآورد شده است که رابطه میان آزادسازی و رشد اقتصادی بین کشورهای اسلامی را نشان می‌دهد. براساس مطالعات، آزادسازی تجاری زمانی در کشورهای مسلمان دارای اثر مثبت بوده است که اقتصاد آن کشور اسلامی در حال توسعه، به سطح معینی از رشد دست یافته باشد. اما در مجموع باید به سرمایه‌گذاری در آموزش اولویت داده شود.

آقای دوما به بیان تأثیر سیاسی، تجاری جهانی شدن بر سازمان کنفرانس اسلامی و نگاهی به تجربه اتحادیه اروپا می‌پردازد و اظهار می‌دارد اتحادیه اروپا دربرگیرنده ۱۵ کشور است که اتحاد گمرکی تمامی کالاهای تجاری را مدنظر دارد و قوانینی را تعیین نموده است تا بتواند تجارت بین کشورهای اروپایی را گسترش دهد. در واقع، سازمان قانون‌گذاری دادگاه اروپا که اعضا می‌توانند شکایات خود را به آنجا بیاورند. اگر کشوری جلوی نقل و

انتقالات کالا را بگیرد، بعد از محکوم شدن مجبور به پرداخت جریمه می‌باشد. در مقابل گات، WTO قوانین خود را با فشار بیشتری به کشورهای عضو وارد می‌کند. ۳۵ سال طول کشید تا اروپاییان توانستند اتحادیه اروپا را تشکیل دهند. آنها از دهه ۵۰ فعالیت خود را آغاز کردند تا در دهه ۸۰ توانستند کارهای مثبتی انجام داده و بالاخره در سال ۹۲ موفق به ایجاد بازار مشترکی شدند.

بنابراین ایجاد بازار مشترک اسلامی، نیازمند زمان و استقامت بسیار است. پس باید با گروه کوچکی شروع بکار کرد و گام بگام پیشرفت نمود تا قوانین مختلف در کشورهای عضو هماهنگ شود.

کلناز دولو

کارشناس امور پژوهشی

پژوهشگر امور اقتصادی